

# جلوه‌های حقوقی اتحاد ملی و انسجام اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نقش رسانه ملی در تحقق آن

علی آذری\*  
دکتر اکبر حبیب‌الهی\*\*

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۰/۹ تجدیدنظر: ۸۶/۱۲/۱۵ پذیرش نهایی: ۸۷/۱/۳۰

## چکیده

در مقاله حاضر ضمن تبیین برخی از اصول قانون اساسی که بسترساز تحقق اتحاد ملی در بین گروه‌های مختلف قومی، نژادی، سیاسی و مذهبی جامعه ایران است، به بررسی آن دسته از اصول قانون اساسی که تحقق بخش انسجام اسلامی و وحدت‌بخش ملل مسلمان جهان است، پرداخته شده و سهم و نقش رسانه ملی در عملیاتی شدن این دسته از اصول مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های ما در این پژوهش حکایت از وجود اصول روشن و امید بخشی در قانون اساسی جمهوری اسلامی دارد که در صورت اجراء زمینه بسیار مناسبی برای اتحاد و همبستگی ملی فراهم خواهد کرد و از طرفی حکایت از وجود راهبردی اساسی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به منظور تلاش برای تشکیل امت واحده اسلامی و شکل‌گیری رویکرد جهان‌شمولی اسلام می‌نماید.

واژگان کلیدی: آزادی، اتحاد ملی، انسجام اسلامی، رسانه ملی، عدالت، قانون اساسی

---

\* کارشناس ارشد حقوق عمومی، دستیار آموزشی دانشگاه پیام نور کرمان  
Email: azarilendeh@yahoo.com

\*\* دکترای فلسفه، مدیر گروه حقوق و رسانه مرکز تحقیقات صداوسیما  
Email: monipatit@gmail.com

## مقدمه

با اوج‌گیری مسائل قومی، حکومت‌ها و دولت‌ها برای پاسخگویی به مطالبات و نیازهای اقوام خود و تعیین نحوه و چگونگی توزیع منابع و فرصت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، سازماندهی گروه‌های قومی در سلسله‌مراتب اجتماعی، تنظیم محتوا و گستره تعاملات درون‌قومی و بین‌قومی، حل‌وفصل منازعات و کشمکش‌ها و اداره امور اقوام ناگزیر شدند اصول و مبانی مشخصی را تعریف و از آن متابعت کنند که بعدها این مبانی از سوی نخبگان، متفکران و صاحب‌نظران در قالب سیاست‌های قومی مفهوم‌سازی و دسته‌بندی شد (صالحی‌امیری، ۵۲: صص ۱۳۸۵-۵۱). جامعه ایران به دلیل برخورداری از ساختار قومی و اقلیمی خاص در تنوع آب و هوایی و ویژگی‌های طبیعی، شیوه‌های زیستی مختلفی را تجربه کرده (عشایری، روستایی و شهری) که در طول تاریخ تداوم یافته است؛ از سوی دیگر، مهاجرت مداوم اقوام و جمعیت‌ها به فلات ایران، جمعیت آن را از حیث خرده‌فرهنگ‌های قومی و زبانی، لهجه‌ها، آداب رسوم و حتی مذهب به انواع مختلفی تقسیم کرده است. که حاصل آن، تنوع فرهنگی، فکری و فرقه‌ای و رشد و افول نحله‌ها و نهضت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فکری و مذهبی در طول تاریخ بوده است به گونه‌ای که هم‌اکنون نیز بقایای این تنوع نیز در ساختار اجتماعی سیاسی، فرهنگی، فکری و مذهبی جامعه ایران کاملاً مشهود است.

اما با همه این مسائل، نوعی همبستگی مستمر - ضمن بروز پاره‌ای چالش‌ها - در میان مردم ایران پیوسته ادامه دارد هر چند که به تناسب عملکرد دولت‌ها و حکومت‌های حاکم بر مردم این سرزمین، این همبستگی، طیفی از مطالبات تجزیه‌طلبانه تا یکپارچگی و تلاش برای همسان‌سازی را به خود دیده است. در همین راستاست که در دوران معاصر، دولت‌ها برای حفظ وحدت ملی و یکپارچگی اجتماعی و تمامیت ارضی و قلمرو جغرافیایی خود، به شیوه‌های گوناگون سعی می‌کنند این اتحاد و انسجام ملی همچنان در بین ملت وجود داشته باشد. جمهوری اسلامی ایران، هم به دلیل تنوع قومی، قبیله‌ای، فرهنگی و مذهبی و هم به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و استراتژیک حساسی که در منطقه دارد، با وجود ابتنای حکومت آن بر حق و عدل الهی،

## جلوه‌های حقوقی اتحاد ملی و انسجام اسلامی در قانون اساسی ❖ ۹

با چالش‌های بسیاری در راه تحقق همگرایی و اجتناب از واگرایی در میان اقوام و قبایل و با دیگر ملل مسلمان روبه‌رو است. به دلیل درک همین ضرورت و به دلیل وجود دو عنصر تخریبی دشمن (ایجاد تفرقه و تضعیف وحدت ملی ایرانیان و اختلاف در جهان اسلام) رهبر فرزانه انقلاب، سال ۱۳۸۶ را به رمز یا نام وحدت ملی و انسجام اسلامی مزین فرموده‌اند، تا خط‌کشی‌ها و چارچوب‌های خودساخته احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی را از سر راه بردارند و این امکان را فراهم آورند که در فضای آرام اتحاد و همبستگی ملی مطالبات آحاد ملت از هر دسته و گروه و مکتب در چارچوب قانون اساسی که متضمن حقوق حقه ملت ایران است، پاسخ داده شود. و گام‌هایی اساسی برای ایجاد اتحاد و همبستگی میان ملل مسلمان جهان و از بین بردن تفرقه و نفاق بین مذاهب و ملل اسلامی برداشته شود تا تحت همبستگی و انسجام اسلامی، ملل مسلمان عظمت از دست‌رفته خود را بازیابند.

آنچه در مقاله حاضر به آن پرداخته می‌شود، بررسی بسترهای قانونی اتحاد ملی و انسجام اسلامی در پرتو اصول قانون اساسی است. به عبارت دیگر هدف آن است بدانیم که قانون اساسی به عنوان تبلور آرمان‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ملت ایران چه راهکارها و زمینه‌هایی را برای تضمین وحدت ملی و انسجام اسلامی ارائه داده است و رسالت رسانه ملی در این زمینه چه خواهد بود؟

### جلوه‌های حقوقی اتحاد ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اتحاد یعنی «آنچه مرکب از دو جز یا بیشتر و با نسبت‌های معین باشد، به طوری که چیز سومی از آنها به وجود آید که با اجزای خود تفاوت کامل داشته باشد» (بندرریگی، ۱۳۸۲: ۲۱۵۲) و ملی یعنی آنچه مربوط به ملت است و ملت در معنای امروزی، جامعه‌ای طبیعی از انسان‌هاست که عواملی چون سرزمین واحد، سابقه تاریخی واحد، آداب و رسوم مشترک، زبان و نحوه زیست و گاه مذهب مشترک آنها را به هم پیوند می‌دهد. بنابراین، اتحاد ملی، یعنی اتحاد مردم یک ملت برای رسیدن به هدف یا اهداف مشترک صرف‌نظر از خواسته‌های شخصی، گروهی، حزبی، نژادی و فرقه‌ای. هرگاه ما مفهوم اتحاد ملی را براساس مجموع تفکرات اجتماعی بشکافیم، به این نتیجه می‌رسیم که اتحاد ملی دارای سه محور اساسی است: ۱. اتحاد ملی برای نفی

چیزی ۲. اتحاد ملی برای حفظ چیزی ۳. اتحاد ملی برای به دست آوردن چیزی. حال که انقلاب شکوهمند اسلامی شکل گرفته است و قانون اساسی آن در پرتو اعتقادات دیرینه مردم ایران به حکومت حق و عدل قرآن و مؤلفه‌های منطبق با ارزش‌های اسلامی موجود در دموکراسی‌های معاصر، تصویب شده است و شعار ارزشمند استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی جلوه عملی خود را باز یافته است، شایسته است بینیم آنچه اتحاد ملی مردم ایران به دنبال نفی نظام سلطنتی در پی آن بود، چگونه متجلی شد و به عبارت دیگر، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چه اصولی ترجمان اهداف ملت ایران از ایجاد دولتی ملی و اسلامی است.

اتحاد ملی که در قانون اساسی با عناوینی چون **همبستگی ملی** و **وحدت ملی** به آن اشاره شده است، همان گونه که در مقدمه نیز ذکر شد، معطوف به اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های مشترک بین آحاد یک ملت صرف نظر از نژاد، مذهب، زبان و قومیت است؛ که به یقین این اهداف و آرمان‌ها در نظام‌های سیاسی‌ای که از حاکمیت فردی و گروهی مبتنی بر مذهب، نژاد و قومیت خاصی برخوردارند، امکان‌پذیر نیست زیرا ارزش‌های بنیادینی چون حاکمیت قانون، آزادی تعیین سرنوشت و دیگر حقوق و آزادی‌ها در چنین نظام‌هایی تحقق نمی‌یابد و می‌توان گفت نهضت قانون‌گرایی و مشروطه‌خواهی در راستای هدفی جز دستیابی به همین ارزش‌ها شکل نگرفت.

«قانون اساسی جمهوری ایران دربردارنده حقوق و آزادی‌های شهروندان از یک سو، اقتدارات و صلاحیت‌های کارگزاران از سوی دیگر، به علاوه پیش‌بینی رویه‌ها و سازوکارهای لازم در جهت تنظیم روابط کارگزاران با یکدیگر و روابط شهروندان و کارگزاران است» (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۲) در قانون اساسی اصولی ذکر شده که هم محور شکل‌گیری اتحاد ملت ایران علیه نظام شاهنشاهی را نشان می‌دهد و هم مبین اهداف و خواسته‌های این ملت است که صرف نظر از هرگونه اختلاف زبانی، نژادی، قومی و مذهبی، باید عملی گردد.

بدیهی است اگر قرار باشد اتحاد ملی صورت گیرد، باید با پذیرش اختلاف‌ها و تکثرهای موجود و طبیعی همچون قومیت، نژاد و مذهب همراه شود؛ همبستگی و اتحادی که مبتنی بر الگوی وحدت در عین کثرت و سازگار با تنوع و تکثر آرا و عقاید گوناگون و به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌های قومی، زبانی، نژادی و مذهبی باشد.

بی‌تردید می‌توان گفت ماهیت و شاکله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر ایده و اصل پذیرش حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی همگان بدون در نظر گرفتن تعلقات قومی، زبانی و مذهبی است، مستعد شکل‌گیری و استمرار چنین اتحادی است زیرا مطابق قانون اساسی، اولاً همه افراد جامعه از حقوق و موقعیت برابر برخوردارند و حق و تکلیفی یکسان در قبال یکدیگر و نظام سیاسی دارند (اصل سوم بندهای ۸، ۹، ۱۴، ۴)، (ساعدوکیل و عسکری، ۱۳۸۳) و هیچ فردی در جامعه شهروند درجه دو محسوب نمی‌شود و «تبعیضی میان اعضای گروه‌های قومی و پیروان مذاهب به چشم نمی‌خورد» (اصل نوزدهم) و ثانیاً «فرصت‌ها به صورت برابر از سوی حاکمیت در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد» (اصول ۳۵، ۳۰، ۲۹، ۲۸ و ۴۸) و دولت نه طرفدار یکی از گروه‌های قومی و مذهبی بلکه داور تعاملات اجتماعی و فرهنگی آنهاست؛ به علاوه در جامعه ایران، دو عنصر اسلامیت و ملیت از ویژگی‌هایی هستند که در هویت ایرانی با هم درآمیخته‌اند، به نحوی که شناسایی و تمیز آنها از یکدیگر ممکن نیست و روح ایرانی با هر دو نماد ملی و دینی الفتی دیرینه پیدا کرده است و مسئولان جمهوری اسلامی نیز به این آگاهی دست یافته‌اند که بین ملی‌گرایی و ارج نهادن به آیین‌ها و آداب و رسوم ملی و اسلام‌گرایی نه تنها تضادی وجود ندارد، که خود یکی از عوامل همبستگی ملی است (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵: صص ۳۹۳ - ۳۹۲). بنابراین می‌توان گفت، آنچه باعث تحقق و استمرار اتحاد ملی در یک جامعه می‌شود، عدالت، آزادی، تأکید بر مشترکات و پذیرش اختلافات است.

## عدالت

عدالت مفهومی است که در پرتو مکاتب فلسفی و اندیشه سیاستمداران، تفاسیر مختلفی به خود دیده است و به همین دلیل، ارائه تعریفی جامع و مانع و مورد اتفاق از آن، کاری دشوار است اما بررسی نظریات اندیشمندان و فیلسوفان در این زمینه نشان می‌دهد در بیشتر این دیدگاه‌ها، عدالت به معنای امنیت، برابری حقوق، برابری در آزادی‌ها و برابری در فرصت‌ها و امکانات تعریف شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه» (بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی) از وظایف دولت برشمرده شده و جنبه‌های متعدد آن مورد حمایت قرار گرفته است.

## امنیت

امنیت عبارت است از «اطمینان خاطری که براساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند». این امر مستلزم دو تضمین اساسی است:

۱. تضمین امنیت افراد در مقابل هر نوع توقیف، زندانی شدن، مجازات و دیگر تعرضات خودکامانه و غیرقانونی.
  ۲. تضمین امنیت افراد از طریق حمایت‌های اعمال شده از سوی جامعه برای هر یک از اعضای خود به منظور حفظ حقوق و تعلقات و برخورداری از آزادی‌های انسانی که مصادیقی از آن در قانون اساسی به قرار زیر است: (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۷۶).
- امنیت جان** در اصل بیست و دوم قانون اساسی با این عبارت تضمین شده است: «جان اشخاص از هرگونه تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز نماید».
- امنیت حیثیت:** اصل بیست و سوم قانون اساسی، مصونیت حیثیت را نسبت به سایر موارد در مقام برتر قرار داده است. همچنین در اصل سی و نهم قانون اساسی «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون، دستگیر، بازداشت یا زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد، ممنوع و موجب مجازات دانسته شده است». برای تضمین اجرای این اصول نیز قانونگذار در قوانین مختلف از جمله قانون مجازات اسلامی در مواد ۶۰۸، ۶۹۸، ۶۹۹، ۶۴۸ (میرزایی، ۱۳۸۵) و ماده ۳۱ قانون مطبوعات، مجازات شدیدی برای کسانی که این حق را نقض کنند، در نظر گرفته است.
- امنیت مال:** امنیت مالکیت که از آن به امنیت سرمایه نیز می‌توان تعبیر کرد، امروزه در مناسبات سیاسی - اقتصادی کشورها نقش به‌سزایی دارد زیرا ریشه بسیاری از وابستگی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، وابستگی اقتصادی است که لازمه قطع آن همان تأمین امنیت مالکیت و امنیت سرمایه‌گذاری است تا منابع و سرمایه‌های ملی از کشور خارج نشوند و از سویی با تأمین امنیت حقوق مالکانه، زمینه برای سرمایه‌گذاری در کشور فراهم شود. قانون اساسی، با بیان مواردی چون «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است» (اصل چهل و هفتم)، «هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است» (اصل چهل و ششم) یا موظف ساختن دولت به «گرفتن وجوه

ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع از کسانی که آنها را تحصیل کرده‌اند و رد کردن این ثروت‌ها به کسانی که صاحبان اصلی این حقوق هستند» (اصل چهارم و نهم) بسترهای لازم را برای تأمین امنیت اموال شهروندان و تضمین امنیت مالکیت فراهم آورده است.

**امنیت شغلی:** این مهم در اصل بیست و دوم قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و در اصل چهارم و ششم با نوعی عبارت‌پردازی ویژه حمایت شده است. این اصل مقرر می‌دارد: «هیچ کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب‌وکار خود امکان کسب‌وکار را از دیگران سلب کند». این حق شغلی در قوانین عادی، از جمله قانون کار موآ۳۲ - ۷ نیز به شکل‌های مختلف مورد حمایت واقع شده است (ساعتچی یزدی، ۱۳۷).

**امنیت مسکن:** مسکن محل آرامش و آسایش و سرپناهی برای گذراندن بی‌دغدغه اوقات فراغت و استراحت افراد و خانواده آنهاست. از همین رو چه در عرصه بین‌المللی (ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸) و چه در نظام داخلی، مداخله خودسرانه در اقامتگاه قانونی افراد و تعرض به آن ممنوع شمرده شده است. اصل بیست و دوم قانون اساسی نیز مسکن افراد را جز در مواردی که قانون تعیین می‌کند، از هرگونه تعرض مصون اعلام کرده است.

**امنیت خلوت (مصونیت از تجسس):** اصل ۲۵ قانون اساسی با نفی تجسس مقرر می‌دارد «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق‌سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون».

**امنیت اقامت و رفت‌وآمد:** اصل سی و سوم قانون اساسی مقرر می‌دارد «هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع کرد یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد». بنابراین، اصل بر آزادی اقامت است و دولت و دیگر افراد جامعه مکلفند به این حق احترام بگذارند. ناگفته نماند که وجود پاره‌ای از محدودیت‌های قانونی منافاتی با اصل قانون ندارد.

## برخورداری از آزادی‌ها

یکی دیگر از محورهای شکل‌گیری و تداوم اتحاد ملی به رسمیت شناخته شدن عقاید مختلف در قانون اساسی و التزام زمامداران به حمایت و جلوگیری از تضییع آنهاست. این آزادی‌ها شامل آزادی عقیده، آزادی بیان و مطبوعات، آزادی احزاب و تشکل‌ها و آزادی تجمعات و راهپیمایی‌هاست.

**آزادی عقیده و مذهب:** اگر چه رعایت موازین اسلامی یکی از قیودی است که پیروان دیگر ادیان و مذاهب باید در اعمال حقوق همه‌جانبه خود به آن پایبند باشند، قانون اساسی مجموعه‌ای از آزادی‌های مذهبی و سیاسی را که زیربنای عقیدتی و فکری دارند، برای همگان به رسمیت شناخته است.

اصل دوازدهم قانون اساسی که درباره بیان آزادی عقیده برای غیر شیعیان است، با به رسمیت شناختن حقوقی همچون احترام، آزادی انجام مراسم مذهبی، رسمیت تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه، رسمیت منطقه‌ای و دیگر حقوق انسانی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی (اصل نوزدهم و بیستم) زمینه را برای اتحاد و همبستگی پیروان دیگر مذاهب اسلامی (حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی) با شیعیان فراهم آورده است.

در اصل سیزدهم قانون اساسی، آزادی انجام مراسم دینی در چارچوب قانون و عمل به مناسک و آیین خود در احوال شخصیه و تعلیم و تربیت دینی برای پیروان اقلیت‌های دینی شناخته شده (زرتشتیان، کلیمیان، مسیحیان) تصریح شده است که این مسئله موجب دلگرمی و همبستگی و اتحاد آنان با هم‌میهنان خود خواهد شد زیرا زمانی که این افراد از جانب حکومت اسلامی، در انجام امور دینی خود با مانعی روبه‌رو نباشند، نه تنها دلیلی برای دامن زدن به اختلاف‌های مذهبی و دینی نخواهند داشت بلکه به نظام اسلامی وفادار خواهند ماند و با مردم ایران در تحقق اهداف ملی متحد خواهند شد. در خصوص آزادی افراد غیرمسلمان دیگری نیز که به عنوان اقلیت دینی در قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده‌اند، قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان را به انجام عمل بر طبق اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی و رعایت حقوق انسانی آنان به عنوان شهروندان جمهوری اسلامی ایران موظف کرده است (اصل چهاردهم).



**آزادی بیان و مطبوعات:** آزادی مطبوعات از اصول بنیادین و حقوق غیر قابل سلبی است که قوانین اساسی کشورها به آن توجه جدی دارند و قانون اساسی ما نیز با اعلام آن به عنوان یکی از حقوق اساسی ملت (اصل بیست و چهارم)، حفظ آن را وظیفه دولت و آحاد ملت می‌داند (اصل نهم). قانون اساسی ما با عبارت‌پردازی‌های منطقی در اصول مختلف خود مانند «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» (بند ۸ اصل سوم)، «اداره امور کشور به اتکای آرا عمومی» (اصل ششم) و «بالا بردن آگاهی عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی» (بند ۲ اصل سوم) - که تحقق اصول پیش‌گفته پیوستگی وسیعی با این آگاهی‌ها دارد - آزادی بیان و مطبوعات را به رسمیت شناخته است و در اصل بیست و چهارم اعلام می‌کند: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند».

بنابراین می‌توان گفت، اگر مطبوعات نقش رسانه‌ای خود را به درستی ایفا کنند و از آزادی لازم در این زمینه برخوردار باشند و از سوی دیگر، حدود معین قانونی را نیز رعایت کنند، می‌توانند ابزار ارزشمندی برای تحقق اتحاد ملی و همبستگی اجتماعی باشند و با تنویر افکار عمومی و آگاه کردن مردم از برنامه‌های دشمنان ملت، زمینه را برای اتحاد ملی آنان فراهم آورند.

**آزادی‌های گروهی:** اصل بیست و ششم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

«این اصل با اعلام آزادی تشکل به صورت گسترده و متنوع (سیاسی، اجتماعی، صنفی و مذهبی) حقوق و آزادی‌های گروهی غیر قابل سلب ملت و مصالح کلی نظام را به نحو ظریفی در هم آمیخته است» (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۰۲). این اصل با به رسمیت شناختن تعدد گروه‌ها و پایگاه‌های فکری (گروه‌های سیاسی، صنفی، اجتماعی و مذهبی) و تنوع آنها زمینه را برای تحقق آزادی‌های گروهی در زمینه‌های مختلف فراهم آورده است.

این اصل قانون اساسی، به فرض اجرا، دغدغه گروه‌های مختلف فکری، سیاسی و مذهبی را نسبت به تضييع حقوقشان در تمام زمينه‌ها از بين مي‌برد زيرا گروه‌های مختلف با برخورداري از چنين آزادي‌اي به صورت فعال در عرصه اداره جامعه و تعيين سرنوشت خود مشارکت خواهند داشت و در مواقع لازم از حقوق گروهی خود دفاع خواهند کرد.

بنابراین، گروه‌های مختلف همان گونه که می‌توانند برای دفاع از منافع و خواسته‌های صنفی، سیاسی، مذهبی و حزبی خود به صورت منسجم عمل کنند، در صورت نیاز با دیگر اقشار جامعه برای دفاع از منافع کلان ملت متحد خواهند شد و پایه‌های اساسی وحدت ملی را حفظ خواهند کرد.

### برابری در فرصت‌ها و برخورداري از امکانات

بی‌تردید، تحقق عدالت در جامعه به متغیرهای مختلفی چون برابری در خدمات، برابری در سطح رفاه، برابری در برخورداري از امکانات رفاهی، تأمین اجتماعی، بیمه، فراهم بودن زمینه کار و اشتغال برای همه به منظور گذران زندگی و بهره‌گیری مستمر از حق حیات، ارتقای سطح آموزش و فراهم بودن امکانات آموزشی برای همه اقشار جامعه، پایین بودن سطح فقر در جامعه، بالا بودن سطح درآمدها (به گونه‌ای که افراد جامعه از حیث معیشتی با مشکلی روبه‌رو نباشند) امکان بروز و رشد استعدادها و قابلیت‌های فکری و فرهنگی، فراهم بودن امکانات قضایی برای جلوگیری از تضييع حقوق و اعمال حقوق، توزیع منصفانه امکانات و مواهب طبیعی و ملی در بين افراد جامعه و فقدان اختلافات طبقاتی و ... وابسته است.

### ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی و فراهم کردن امکانات آموزشی

بندهای دوم، سوم و چهارم اصل سوم قانون اساسی، به منظور ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی که خود مقدمه‌ای برای شرکت فعال افراد جامعه در اداره امور کشور است، دولت را موظف می‌سازد همه امکانات خود را برای بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر

به کار گیرد. همچنین نظر به ضرورت تعلیم و تربیت و پرورش مادی و معنوی جامعه، در بند سوم اصل سوم مقرر می‌دارد، دولت موظف است همه امکانات خود را در راستای «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعلیم آموزش عالی» به کار برد. همچنین به موجب اصل سی‌ام قانون اساسی، دولت موظف است «وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد».

در بند چهارم اصل سوم «تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز و تشویق محققان» نیز از وظایف دولت شمرده شده است (منصور، ۱۳۸۱).

### رفاه و تأمین اجتماعی

«اصل مسئولیت متقابل همگانی (تکافل عام) از پایه‌های اصلی عدالت اجتماعی است که در آن افراد مردم مسئول حمایت از یکدیگر و توانگران موظف به تأمین زندگی تنگستان و درماندگان می‌باشند» (مشایخی، ۱۳۸۲: ۱۳). در این اصل به موضوع تأمین اجتماعی توجه شده است. در این زمینه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در بند ۱۲ اصل سوم، یکی از وظایف دولت را «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه براساس ضوابط اسلامی به منظور ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه» برمی‌شمارد و براساس بند ۱ اصل چهارم و سوم، یکی از ضوابط اقتصادی «تأمین نیازهای اساسی مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان و آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه» است. اصل سی و یکم «داشتن مسکن متناسب با نیازها را حق هر فرد و خانواده ایرانی» می‌داند و براساس اصل بیست و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی».

### تأمین زمینه استقلال فرهنگی در عین توجه به همبستگی ملی

همان گونه که در مقدمه ذکر شد، ملت ایران، ملتی متشکل از اقوام و قبایل مختلف و برخوردار از تنوعات مختلف زبانی، مذهبی و نژادی است که هر کدام دارای فرهنگ ویژه و خاص خود هستند. اما ملیت همه آنها ایرانی است و به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند. حال برای اینکه این دو عنصر در کنار هم رشد یابند، لازم است حقوق فرهنگی این گروه‌های متنوع رعایت شود تا بین هویت فرهنگی ویژه این گروه‌ها و هویت ملی نوعی تفاهم برقرار گردد. بر همین اساس، قانون اساسی با در نظر گرفتن اصولی، این برابری را تأمین کرده است که در صورت عملیاتی شدن، نقش به‌سزایی در تحقق اتحاد ملی و همبستگی اجتماعی خواهند داشت.

در اصل نوزدهم، همه مردم ایران برخوردار از حقوق مساوی دانسته شده‌اند و حق برخورداری آنان از همه حقوق (از جمله حقوق فرهنگی) با رعایت موازین اسلامی در اصل بیستم در نظر گرفته شده است (بند ۹ اصل سوم) در اصل پانزدهم قانون اساسی نیز اگر چه بر زبان و خط رسمی و مشترک ایرانی یعنی زبان و خط فارسی تأکید شده، به اقلیت‌های مختلف اجازه داده شده است از زبان‌های محلی و قومی خود در مطبوعات و رسانه‌های گروهی ملی و محلی استفاده کنند و در صورت تمایل، به تدریس ادبیات خود در کنار زبان فارسی بپردازند. ضمن اینکه پیگیری این مسئله از طریق نهادهای ملی چون شوراهای نیز امکان‌پذیر شمرده شده است. در مورد اقلیت‌های دینی و مذهبی نیز حق انجام فعالیت‌های مذهبی براساس آیین خود در اصول دوازدهم و سیزدهم در نظر گرفته شده است.

### توزیع عادلانه منابع و درآمدهای ملی

سرزمین ایران سرشار از منابع متعدد زیرزمینی و روزمینی است. دولت نیز، هم از محل خدمات و امکاناتی که در اختیار مردم قرار می‌دهد و هم از محل درآمدهای ناشی از انحصار استفاده از منابع طبیعی، درآمدهای سرشاری به دست می‌آورد که باید برای تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه به نحو عادلانه در اختیار مردم قرار دهد، چه در غیر این صورت، یعنی توزیع ناعادلانه منابع طبیعی در بین مردم و رشد فقر و محرومیت در برخی نقاط کشور، بحث از اتحاد و همبستگی بی‌معنی خواهد بود. از این

رو، به منظور جلوگیری از بروز چنین معضلی، اصل چهل و هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد. به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم را در دسترس داشته باشد».

### مردمی بودن حکومت و مشارکت همه گروه‌ها در اعمال حاکمیت ملی

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «حکومت برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشایند.

بر همین اساس، قانون اساسی زمینه‌چینی مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد جامعه فراهم کرده است و در این ارتباط *المصلح* سوم «مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش» را یکی از تکالیف دولت قرار داده و روش‌های اعمال این حق تعیین سرنوشت و مشارکت در اعمال حاکمیت ملی را انتخابات و همه‌پرسی دانسته است. در این خصوص اصل ششم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران اداره امور کشور باید به اتکای آرا عمومی اداره شود؛ از راه انتخابات، انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد». نقطه مقابل این مسئله جایی است که اداره جامعه در انحصار گروه یا طیف خاصی قرار گیرد و مجاری امور در دست افرادی باشد که برای دیگر اقشار و گروه‌های جامعه حقی در اداره جامعه قائل نباشند که نتیجه آن چیزی جز عزم مردم بر نابودی طبقه حاکم و محو همبستگی و اتحاد نخواهد بود.

### جلوه‌های حقوقی انسجام اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

انسجام، از باب انفعال از ریشه سجم، در لغت به معنی هماهنگی، سازگار و روان شدن آمده است (المنجد) و در این مقاله، به معنی «هم‌صدا بودن و سازگار شدن افراد یک ملت

مسلمان و ملت‌های مسلمان با یکدیگر با هر نوع عقیده مذهبی در جهت حفظ اصل اسلام و تثبیت و رعایت حقوق مسلمین در جهان است.» (دهقان، ۱۳۸۶: ۳۲). در این فصل قصد داریم ببینیم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به عقیده برخی اندیشمندان اسلامی «نوین‌ترین ساختار اجتماعی نظریه اجتماعی اسلام را ترسیم می‌کند» (غنوشی، ۱۳۸۱: ۶۱)، برای تحقق این شعار چه زمینه‌ای وجود دارد.

### مبانی حکومت اسلامی

در اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او، وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین، معاد و نقش سازنده آن در مسیر تکاملی انسان به سوی خدا، عدل خدا در خلقت و تشریح، امامت در رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی، کرامت و ارزش‌های والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا از مبانی نظام اسلامی دانسته شده است. با اندکی تأمل می‌توان دریافت که در این اصل مبانی اعتقادی مشترک تمام مسلمانان گنجانده شده است.

در دو اصل توحید و معاد که ترجمان جهان‌بینی مسلمانان هستند مبدأ آفرینش و مقصد انسان تعریف شده است. این اصول مبدأ تمام موجودات عالم را خداوند معرفی می‌کنند و بازگشت هر بشر را به سوی او می‌دانند. اسلام تمام افراد بشر را به یک خدا، یک دین، یک معاد و یک حکومت دعوت می‌کند و از اختلاف و دودستگی برحذر می‌دارد. اصل توحید یکپارچگی و وحدت را به جامعه مسلمانان عرضه می‌کند، بشر را از پراکندگی پرهیز می‌دهد و برادری و برابری واقعی را میان مسلمانان به وجود می‌آورد. آن گونه که همگان خود را جامعه و پیگیری واحد بدانند و یکدیگر را برابر انگارند (هاشمی، ۱۳۸۱: ۹۲).

بنابراین در این نظام، قدرت و حاکمیت از آن خداوند است و اختصاص به فرد یا گروه خاصی ندارد و همه مسلمانان در ذیل حاکمیت این قدرت الهی می‌توانند به حیات طیبیه خود ادامه دهند و تمامی حقوق انسانی خود را اعمال کنند. در مقدمه قانون اساسی، این مهم به همراه جلوه دیگری از حاکمیت خداوند که همان ختم شدن همه مسیرها و راه‌ها به اوست، مورد توجه واقع شده، آنجا که مقرر می‌دارد: «حکومت از

دیدگاه اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست، بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راه خود را به سوی هدف نهایی یعنی حرکت به سوی الله (مقصد تکامل معنوی) و خداگونه‌گی و سعادت اخروی (معاد) بگشاید و رسالت قانون اساسی این است که زمینه‌های اعتقادی نهضت اسلامی را عینیت بخشد و شرایطی را به‌وجود آورد که در آن انسان با ارزش‌های والا و جهان‌شمول اسلامی پرورش یابد. بنابراین، اعتقاد به توحید در نظام اسلامی ما، خود محور اعتقادی بسیار عمیق و فراگیری است که بسترساز تحقق امت اسلامی در جهان و ارائه‌کننده بنیاد جامع جهان‌شمولی از سوی اسلام به بشریت است. پس توحید در عرصه اجتماعی، برابر با انسجام اسلامی، ایجاد امت‌واحدۀ اسلامی و در نتیجه جهان‌شمولی اسلام است.

#### وحی و نبوت

مسلمانان جهان می‌توانند با قرار دادن رهنمودهای وحی و پیامبر اسلام در سرلوحه تمام قوانین مملکتی خود، به مجموعه جامعی از قوانین با ماهیت اسلامی دست یابند و با منسجم کردن آن در مجموعه‌ای کامل‌تر و شامل‌تر، اهداف هماهنگی را در سراسر جهان دنبال کنند که این امر، زمینه‌ای برای شکل‌گیری یک نظام سیاسی واحد و فراهم شدن بستر تبعیت از یک امت‌واحدۀ اسلامی خواهد بود. در عرصه قانون‌گذاری اسلامی، اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چهارچوبی برای جنبه‌های مختلف زندگی بشر ترسیم می‌سازد: «همه قوانین و مقررات جزایی، مدنی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باید براساس موازین اسلامی باشد».

#### عدل

عدالت به عنوان یک ارزش برتر و به عنوان صفتی الهی، از آموزه‌های اصیل اسلامی است که انسان‌ها بویژه مسلمانان مکلف به رعایت و التزام به آن در روابط فردی و گروهی خود و عمل به مقتضیات آن هستند. این اصل در ذیل بند ۶ اصل دوم مورد توجه قرار گرفته است. برای تحقق این اصل قانون اساسی دولت را موظف ساخته است همه امکانات خود را برای «رفع تبعیضات

ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» و «تأمین حقوق همه‌جانبه (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ...) افراد اعم از زن و مرد» و اعمال اصل تساوی عموم در برابر قانون به کار گیرد. این اصل، همراه با اصل دوازدهم قانون اساسی که در کنار مذهب رسمی کشور، مذاهب دیگر اسلامی اعم از شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی را مورد احترام کامل می‌داند و پیروان این مذاهب را در انجام مراسم مذهبی، براساس فقه خودشان آزاد می‌گذارد و دعاوی مربوط به آنان را در دادگاه‌ها به رسمیت می‌شناسد و همراه با اصل بیستم که مقرر می‌دارد «همه افراد ملت اعم از زن و مرد به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند»، ما را به این نتیجه می‌رساند که جمهوری اسلامی ایران با تأکید عمیق بر روابط و مناسبات عادلانه و ضرورت رعایت عدالت همه‌جانبه در خصوص دیگر مسلمانان، به دنبال ایجاد بستر دلگرمی و همبستگی در بین همه مسلمانان است. پس باید گفت عدالت در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به نحوی که در اصول مربوط به حقوق ملت در قانون اساسی مقرر شده است در صورت تحقق، نقش مهمی در انسجام اسلامی ایفا می‌کند.

#### برادری، معیار تعاملات مشترک در بین مسلمانان

وحدت به عنوان مؤلفه اصلی اجتماع، خود نیازمند مبانی و اصول ارزشی است تا پایدار بماند و در عمل تحقق بیابد. از این رو قرآن با آموزه‌های خود می‌کوشد مردمان را به سمت این ارزش سوق دهد و اصول وحدت را در میان ایشان مستحکم سازد. یکی از پایه‌ها و اصول اساسی وحدت و عامل مهم در ساختار وحدت اجتماعی عامل برادری است چنان که می‌توان گفت برادری اسلامی مهم‌ترین عامل وحدت‌آفرین جامعه دینی یعنی امت اسلامی است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که باید «همه قوانین و مقررات آن مبتنی بر موازین اسلامی باشد» (اصل چهارم) و خواهان ایجاد نظامی حکومتی بر پایه‌های جهان‌بینی و تفکر اصیل اسلامی است، (مقدمه قانون اساسی) در بند ۱۵ اصل سوم، یکی از وظایف دولت اسلامی «توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین



همه مردم» معرفی گردیده و دولت مکلف شده است برای فراهم آوردن زمینه تحکیم و توسعه این برادری همه امکانات خود را به کار گیرد. بی‌شک این برادری هم شامل برادران مسلمان از همه مذاهب اسلامی در داخل کشور و هم شامل برادران مسلمان ساکن در کشورهای دیگر خواهد بود. با این توضیح که در عرصه داخلی، این مهم با سازوکارهای حقوقی که تضمین‌کننده بردباری سیاسی و پذیرش اختلافات فکری و اندیشگی در میان مسلمانان از هر طیف و گروه و فرقه‌ای است، تأمین می‌شود. به‌علاوه، قانون اساسی در اصول بیست و ششم، بیست و هفتم و دوازدهم، به ترتیب با به رسمیت شناختن آزادی احزاب ضمن رعایت قیودی چون اصول استقلال، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی؛ آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها و آزادی انجام مراسم و فعالیت‌های مذهبی فرقه‌های مختلف اسلامی و پذیرش برخورداری آنها از حقوق یکسان و همه‌جانبه (اصل بیستم) و در نظر گرفتن حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های حکومت اسلامی (اصل شصت و دوم و اصل ششم) زمینه این برادری را فراهم کرده است. علاوه بر آنکه در عرصه خارجی یعنی در برخورد با مسلمانان دیگر ممالک نیز دولت اسلامی مکلف به عمل براساس «تعهد برادرانه» (بند ۶ اصل سوم) نسبت به آنها شده است.

### سیاست خارجی معطوف به ائتلاف با ملل اسلامی

یکی دیگر از جلوه‌های انسجام اسلامی در قانون اساسی ایران، وجود اعتقاد و زمینه ائتلاف با ملل اسلامی و حمایت از مسلمانان در سراسر جهان است. براساس همین دیدگاه، اصل یازدهم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «به حکم آیه (ان هذه امتکم امة واحدة و أنا ربکم فأعبدون<sup>۱</sup>) همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست خود را بر پایه ائتلاف همه ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد» (اصل یازدهم). بنابراین، امروز که این واقعیت در میان ملل اسلامی مشاهده می‌شود، روشن است

۱. سوره مبارکه انبیاء، آیه ۹۲

سخن از انسجام و وحدت اسلامی به این معنا نیست که پیروان مذاهب اسلامی برای تحقق این اتحاد و انسجام از اعتقادات خاص خود دست بردارند و به اعتقادی واحد برسند، بلکه مقصود آن است که در روابط اجتماعی، سیاسی، نظامی و فرهنگی با یکدیگر هماهنگی داشته و منسجم باشند و از مصالح عالی الهی (تئوکراسی) تبعیت کنند، همان گونه که از دقت در اصل یازدهم قانون اساسی نیز همین نکته استنباط می‌شود؛ زیرا در این اصل نیز مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به عنوان محورهای انسجام و وحدت اسلامی عنوان شده است.

بنابراین، دستیابی به اتحاد و انسجام مورد نظر باید با پذیرش اختلاف‌ها و تکرهای موجود اعم از ملیت، نژاد و مذهب صورت گیرد و اگر جامعه اسلامی نیز چنین هدفی داشته باشد باید توان و گنجایش چندگانگی و همزیستی میان گروه‌ها، اقوام و مذاهب را به دست آورد و اجازه ابراز وجود را به آنها بدهد. از این رو، دولت جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با فراهم کردن بستر همکاری و ائتلاف و همبستگی با دیگر ملل اسلامی و همکاری گسترده با آنها به منظور توسعه اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی و مشارکت فعال در جریان‌اتی که در صحنه بین‌المللی منافع ملل اسلامی را تأمین می‌کند، بسترساز انسجام اسلامی میان ممالک اسلامی باشد.

علاوه بر سیاست ائتلاف و اتحاد با ملل اسلامی، یکی دیگر از راهکارهایی که می‌تواند دولت اسلامی ایران را به مثابه محور انسجام اسلامی در سطح ملل اسلامی مطرح سازد، رسالت حمایت از مسلمانان است که به عنوان وظیفه حکومت اسلامی در قانون اساسی کشور نیز به آن اشاره شده است.

علاوه بر آنکه قانون اساسی در بند ۱۶ اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی را به نمایندگی از مردم این کشور به ایفای تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان موظف می‌سازد، در اصل یکصد و پنجاه و دوم نیز، «دفاع از حقوق همه مسلمانان را یکی از بنیان‌های سیاست خارجی» معرفی می‌کند.

### رسالت صداوسیما در تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی

جامعه ایران متشکل از اقوام و گروه‌های مختلف فکری، سیاسی، نژادی و مذهبی است که به موجب قانون اساسی از حقوق و آزادی‌های مختلفی به شرح مندرج در قانون

اساسی برخوردارند و به موجب قانون اساسی باید این حقوق بدون هرگونه تبعیضی تأمین شود و همه از حمایت یکسان قانون برخوردار باشند و اگر قرار باشد اتحاد ملی و انسجام اسلامی در این کشور تحقق یابد، این مهم با پذیرش تنوع آرا و اندیشه‌ها و مذاهب به رسمیت شناخته شده صورت عمل به خود بگیرد و زمینه اجرای این تنوع فراهم شود. در این فرآیند، صداوسیما به عنوان رسانه ملی و فراگیرترین رسانه دیداری و شنیداری و غیرقابل مقایسه با رسانه‌های مکتوب، با گستره و قلمرو فعالیت وسیع درون مرزی و برون مرزی و تنوع مخاطبان، رسالت‌های سنگینی بر عهده دارد که به تفکیک در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

### رسالت صداوسیما در تحقق اتحاد ملی

ملت ایران متشکل از اقوام مختلف، با فرهنگ‌های بومی متفاوت و اقلیت‌های متنوع قومی و مذهبی است که با سلاقی مختلف سیاسی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. به همین دلیل، دشمنان با تحریک برخی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی داخل و خارج از کشور و با ایجاد اختلاف و تشنج در جامعه سعی در مخدوش کردن اتحاد ملی و انسجام اسلامی دارند. بنا به همین دلایل تأکید مجدد بر همدلی و وحدت ملی امری ضروری می‌نماید.

بدیهی است صداوسیما به عنوان یک دستگاه عظیم تبلیغاتی که به حق آن را دانشگاه بزرگ نامیده‌اند، سنگر مستحکمی است که می‌تواند به مثابه پایگاه تأمین اتحاد ملی مورد استفاده قرار گیرد.

این دستگاه عظیم تبلیغاتی هم می‌تواند وسیله‌ای برای جبران ضعف عمومی و پوشش دادن به ناتوانی‌ها و نقایص دولت‌ها و هم وسیله‌ای برای انتشار دیدگاه‌ها و بیان خواسته‌های مردم باشد و به عنوان پل ارتباطی مستحکم بین مردم و دولت عمل کند که البته باید جنبه مردمی آن غلبه داشته باشد و عنوان رسانه ملی «یعنی رسانه‌ای که متعلق به همه ملت است و بایستی در خدمت خواست‌ها و مقاصد مشروع مردم و مبین سیاست‌ها و برنامه‌های دولت باشد»، ترجمان همین مفهوم است. این معنا در ماده هفتم قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما نیز بیان شده است. شق اول این ماده مقرر می‌دارد «صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران متعلق به تمامی ملت است و باید منعکس‌کننده زندگی و احوال تمامی اقوام و اقشار مختلف کشور باشد».

نظر به گستردگی ابعاد دولتی، مردمی و اجتماعی، «و به عبارتی همگانی بودن» این نهاد، برای اینکه حقوق ملت رعایت شود و آزادی مردم تأمین گردد و ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه از هرگونه انحراف مصون بماند، لازم است بر این نهاد، اصولی چند مثل «اصل برتری منافع عمومی، اصل بی‌طرفی و اصل تساوی و ... حاکم باشد» (هاشمی، ۱۳۷۹: صص ۶۲۲ - ۶۲۰).

به نظر می‌رسد در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مقرراتی که بسترساز تحقق اتحاد ملی و تأمین‌کننده حقوق همه‌جانبه گروه‌های مختلف جامعه اعم از قومی، سیاسی و مذهبی باشد، وضع شده است. فصل دوازدهم و اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ساختار، وظایف و رسالت‌های سازمان صداوسیما را مشخص کرده و تعیین دقیق مصادیق و جزئیات وظایف این سازمان را وظیفه قانونگذار اسلامی دانسته است.

این اصل مقرر می‌دارد: «در صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین شود، ... خط‌مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند.»

در راستای همین قانون، خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های صداوسیما به منظور اجرای اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی از سوی قانونگذار عادی وضع شده است. از این رو در تبیین رسالت‌های صداوسیما در خصوص اتحاد ملی و انسجام اسلامی این قانون نیز مورد استناد قرار می‌گیرد.

در قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما مقرراتی به شرح زیر پیش‌بینی شده است که اجرای آنها می‌تواند عامل مؤثری در راستای تحقق اتحاد ملی باشد: (ساعدوکیل و عسکری، ۱۳۸۳)

ماده ۶. ارج نهادن به حیثیت انسانی افراد و پرهیز از هتک‌حرمت آنان طبق ضوابط اسلامی  
ماده ۸. به موجب آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا»<sup>۱</sup> حرکت کلی صداوسیما باید در جهت وحدت، الفت و انسجام هر چه بیشتر جامعه و برحذر داشتن مردم از پراکندگی و تفرقه باشد.

۱. سوره مبارکه آل‌عمران، آیه ۱۰۳

- ماده ۹. پذیرش انتقادات و دیدگاه‌های سازنده مردم و ایجاد رابطه متقابل با جامعه و نفی تأثیر یک‌جانبه
- ماده ۱۳. گسترش و توزیع عادلانه پوشش صدا و تصویر با توجه به اولویت‌های فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی
- ماده ۱۵. مطلع ساختن مسئولان از خواست‌ها و نیازهای مردم، مطلع کردن مردم از نامه‌ها و فعالیت‌های نهادهای قانونی کشور
- ماده ۱۶. انعکاس وقایع و رویدادهای مهم اجتماعی
- ماده ۱۹. حفظ حرمت احزاب و گروه‌ها و جمعیت‌های سیاسی، مذهبی و ... در جامعه و خودداری از پخش هرگونه برنامه یا محتوای خلاف واقع در مورد آنها
- ماده ۱۹ بند د. خودداری از انتشار هر نوع برنامه‌ای که در جامعه ایجاد تشنج می‌کند و وحدت ملی را مخدوش می‌سازد.
- ماده ۴۴. معرفی ادبیات و هنر پویای مربوط به سایر فرهنگ‌های موجود در جامعه
- ماده ۵۵ بند الف. فراهم کردن بستر تفاهم سیاسی میان گروه‌ها و احزاب قانونی جامعه
- ماده ۵ بند ب. آشنا کردن مردم با توطئه‌های دشمنان و افشای فعالیت‌های آنان
- انجام صحیح موارد فوق می‌تواند نقش اساسی در تحقق اتحاد ملی داشته باشد و سهل‌انگاری در اجرای این اصول یا اجرای بد آنها به یقین اتحاد ملی را در جامعه متزلزل خواهد کرد.
- بنابراین اگر رسانه ملی بخواهد رسالت خود را در تحقق اتحاد ملی در جامعه به انجام برساند، باید به امور زیر توجه داشته باشد:
۱. ضمن پذیرش تنوع آرا و عقاید و تکثر احزاب و گروه‌های مختلف موجود در جامعه اعم از فکری، سیاسی، مذهبی و قومی، بر مبنای ضوابط قانونی و مصالح ملی فرصت برابر برای انتشار و انتقال و بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها و برنامه‌های این گروه‌های متکثر را - همان گونه که قانون اساسی تعیین کرده است - در اختیار آنان قرار دهد و از هرگونه انحصارگرایی و جانبداری و القای اندیشه و تفکر یک گروه خودداری کند.
۲. به حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی موجود در جامعه احترام بگذارد و از

- هرگونه رفتار توهین آمیز یا پخش برنامه‌هایی که جنبه توهین و تحقیر نسبت به اقوام و پیروان مذاهب مختلف داشته باشد یا احساسات آنان را جریحه‌دار کند، به شدت بپرهیزد.
۳. زمینه طرح دیدگاه‌های پیروان دیگر مذاهب اسلامی و دیگر ادیان شناخته شده را از طریق رسانه ملی در حدود مصالح کشور فراهم آورد.
۴. شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی محلی را فعال کند و به آنها اجازه دهد در چهارچوب‌های فرهنگی و قومی خود به فعالیت بپردازند.
۵. از برجسته‌نمایی نمادهای مذهبی و قومی به گونه‌ای که نوعی تحقیر یا توهین نسبت به دیگران باشد، خودداری کند.
۶. حجم برنامه‌هایی را که در آنها بر نمادهای ملی - صرف نظر از تعلق آنها به قوم یا گروه خاص - تأکید شده است، افزایش دهد.

#### رسالت صداوسیما در تحقق انسجام اسلامی

همان گونه که پیش‌تر بیان شد، قانون اساسی ما به رسمیت شناختن تنوع قومی، مذهبی و سیاسی در جامعه، تأمین حقوق همه‌جانبه آنها، حمایت یکسان از آنها در برابر قانون، حق برخورداری آنها از حقوق برابر، و نفی هرگونه تبعیض در خصوص توزیع امکانات در بین آنها را از وظایف حکومت اسلامی دانسته است. با توجه به اینکه قدرت‌های استکباری می‌کوشند مصالح و منافع کشورهای اسلامی را با گسترش اختلافات بین آنها به خطر بیندازند، حکومت اسلامی نیز باید مصالح مسلمانان جهان را در حکم مصالح کشور قرار دهد و برای حفظ آنها از هیچ کوششی دریغ نکند و رسانه ملی نیز باید در حدود وظایف و اختیارات خود به این اصول مسلّم مقید و پایبند باشد.

در قانون و خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما که به حکم اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی و در جهت تعیین وظایف و مسؤولیت‌های سازمان صداوسیما وضع شده است، مقرراتی به چشم می‌خورد که می‌تواند نقش به‌سزایی در تحقق انسجام اسلامی داشته باشد.

ماده ۲۱. بالا بردن سطح بینش اسلامی مردم و آشنا ساختن اقشار مختلف جامعه با اصول، مبانی و احکام اسلام به شیوه‌ای رسا و بدون ابهام

ماده ۲۲. تبلیغ و اشاعه فرهنگ اصیل اسلامی با بهره‌گیری از دیدگاه‌های روحانیت آگاه، دانشمندان حوزه‌های علمیه و اسلام‌شناسان وارسته

ماده ۲۳. کوشش در جهت گسترش فرهنگ غنی اسلام در منطقه و جهان از طریق تولید برنامه‌های مفید و عرضه آن در سطح جهانی

ماده ۲۶. روشن کردن اذهان عمومی نسبت به بدعت‌ها و انحرافات عقیدتی

ماده ۴۱. تلاش در جهت توسعه و تحکیم برادری اسلامی بین همه مذاهب و فرق اسلامی از دیگر وظایف صداوسیماست.

### بحث و نتیجه‌گیری

اصول تضمین‌کننده آزادی مذهبی، به رسمیت شناختن حقوقی چون احترام، آزادی، انجام مراسمات مذهبی، تعلیم و تربیت دینی و دیگر حقوق انسانی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برای پیروان دیگر مذاهب اسلامی در قانون اساسی، بستری مناسب برای محو اختلافات مذهبی و اتحاد و همبستگی فراهم می‌سازد و عوامل تشدید اختلافات مذهبی و دینی را از بین می‌برد و وفاداری نسبت به نظام اسلامی را دو چندان می‌کند. علاوه بر آن لزوم عمل براساس قسط و عدل اسلامی و رفتار مبتنی بر اخلاق حسنه زمینه وفاداری دیگر غیرمسلمانان را به جامعه اسلامی فراهم کرد و اتحاد میان آنان را استحکام می‌بخشد و به پیروان مذاهب و ادیان مختلف و اقلیت‌های قومی، نژادی و زبانی این امکان را می‌دهد که در کمال آزادی، اهداف و آرمان‌های خود را پیگیری کنند.

طبیعی است در چنین شرایطی این افراد در برابر سرنوشت کشوری که در آن زمینه اعمال حقوقشان به نحو وسیعی فراهم است، احساس مسئولیت خواهند کرد و هر جا انسجام و یکپارچگی ملت از درون یا بیرون به خطر بیفتد، با دیگر اقشار جامعه متحد خواهند شد. این همبستگی و اتحاد ملی حاصل رضایت خاطر این گروه‌ها از فضای باز و آزادی‌های قانونی در جامعه است. به علاوه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با به رسمیت شناختن آزادی تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها بدون حمل سلاح و به شرط آنکه خللی به مبانی اسلام و مصالح ملی وارد نشود، زمینه بروز خواسته‌ها و مطالبات گروه‌های مختلف جامعه را فراهم آورده است.

قانون اساسی با ایجاد بسترهای مبارزه با فقر علمی و آموزشی برای همه اقشار جامعه زمینه را برای محو آثار مخرب تبلیغات رسانه‌های غربی و جلوگیری از

خط‌مشی‌دهی‌های قدرت‌های سلطه‌گر فراهم آورده و دولت را موظف به تأمین زمینه‌های خودکفایی علمی و توسعه همه‌جانبه کرده است. با امعان‌نظر نظام اسلامی و قانون اساسی به اصول و آرمان‌هایی چون عدالت، آزادی، رفاه، امنیت و مشارکت سیاسی در اداره جامعه شرایط امیدوارکننده‌ای برای تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی فراهم است. تحقق انسجام اسلامی منوط به از بین بردن اختلافات و پرهیز از تفرقه در بین مسلمانان و تلاش برای وحدت و یکپارچگی و تشکیل امت‌واحد اسلامی بر محور مشترکات عقیدتی است.

قانون اساسی در اصول بیست و ششم، بیست و هفتم و دوازدهم به ترتیب با به رسمیت شناختن آزادی احزاب با رعایت قیودی چون اصول استقلال، وحدت ملی و موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی؛ آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها و آزادی انجام مراسم و فعالیت‌های مذهبی فرق مختلف اسلامی؛ پذیرش برخورداری آنها از حقوق یکسان و همه‌جانبه (اصل بیستم) و در نظر گرفتن حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌های حکومت اسلامی (اصل شصت و دوم و اصل ششم) زمینه را برای تحقق برادری اسلامی - که معیاری برای تعاملات مشترک بین مسلمانان است - فراهم کرده است. ضمن آنکه در عرصه خارجی یعنی در برخورد با مسلمانان دیگر ممالک نیز دولت اسلامی مکلف به عمل براساس «تعهد برادرانه» (بنلّا اصل سوم) نسبت به آنهاست.

لازمه ایفای نقش رسانه ملی برای تحقق اتحاد ملی آن است که زمینه طرح دیدگاه‌ها، اندیشه‌ها، بیان خواسته‌ها و مطالبات گروه‌های مختلف موجود در جامعه و اطلاع‌رسانی به دولت در خصوص معضلات و مشکلات مردم، براساس اصول و مبانی قانون اساسی و به دور از هرگونه شائبه تبعیض و نابرابری و به نحو مساوی در اختیار همگان قرار گیرد. صداوسیما هیچ‌گونه تعلق جانبدارانه‌ای به اقشار مختلف موجود در جامعه نداشته باشد و در صورت وجود چنین تعلق‌هایی به حکم انصاف و عدالت رسانه‌ای در تقسیم خدمات عمومی، اصل بی طرفی را رعایت کند. طبیعی است جانبداری صداوسیما از گروه‌ها و اقشار خاص و ارائه خدمات رسانه‌ای به صورت تبعیض‌آمیز بین گروه‌های مختلف فکری، سیاسی، فرهنگی و مذهبی در جامعه، خود زمینه‌ای برای انشقاق و اختلاف بین مردم می‌شود و زمینه اتحاد ملی را از بین می‌برد، همان‌گونه که رعایت بی طرفی در مقام اجرای



سیاست‌ها و برنامه‌ها، بستر تحقق اتحاد ملی را فراهم خواهد آورد. نظر به اینکه تمامی برنامه‌ها و سیاست‌های دولت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و .... نمی‌تواند مورد قبول همه اقشار و گروه‌های موجود در جامعه باشد؛ اگر این گروه‌ها بخواهند دیدگاه‌های خود را از طریق نهاد رابطی چون صداوسیما به دولت منتقل کنند، باید فرصت‌های لازم در اختیار آنان قرار داده شود بنابراین براساس اصل تساوی، صداوسیما باید این فرصت‌ها را به صورت مساوی در اختیار افراد قرار دهد. زیرا استفاده انحصاری (اعم از دولتی، گروهی یا حزبی) از رسانه‌ای که باید ملی و همگانی باشد، زمینه‌ای برای مبارزه گروه‌ها و اقشاری خواهد شد که حقوق آنها تضییع شده است و این به معنای نفی اتحاد ملی است.

صداوسیما می‌تواند با فراهم کردن زمینه نشر دیدگاه‌های تمامی دانشمندان اسلامی از تمام مذاهب و فرق اصیل اسلامی فضایی مناسب برای شناخت مشترکات فرهنگی مسلمانان و محو عناصر انحرافی و التقاطی از آن فراهم آورد و با تبلیغ و ترویج این مفاهیم مشترک فرهنگی، بستر پیوند عمیق مسلمانان و انسجام اسلامی را فعال نماید.

امروزه در میان فرقه‌های اسلامی برخی گروه‌های متعصب، بنیادگرا و افراطی وجود دارند که به صورت خودجوش یا در نتیجه توطئه و شیطنت‌های نظام استکباری ایجاد شده‌اند. این گروه‌های افراطی با بدعت‌گذاری در دین اسلام، انحرافات عقیدتی شدیدی را موجب شده‌اند و برخی از حکومت‌های اسلامی را نیز در کنترل خود گرفته یا حمایت آنها را جلب کرده‌اند. طبیعی است در چنین فضایی، بستر مناسب برای دودستگی و اختلاف فراهم می‌شود و مبارزه با انحراف از اسلام، به مبارزه بین کشورهای اسلامی می‌انجامد و همین امر، خود وحدت و انسجام اسلامی را به خطر می‌اندازد. رسالت صداوسیما در خصوص چنین وضعیتی تنویر افکار عمومی ملل مسلمان و فراهم کردن بستر دفاع عقلانی از آموزه‌های اصیل اسلامی و نفی تفسیرهای نادرست از اسلام است.

در مجموع بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور تبیین بسترهای حقوقی اتحاد ملی و انسجام اسلامی نشان می‌دهد در این قانون، مواضع و راهبردهای روشنی وجود دارد که اعمال دقیق و به دور از شائبه تبعیض و جانبداری آنها، ضمن آنکه با تحقق بخشیدن به حقوق و آزادی‌های شهروندان، تعلق و پایداری آنها را به نظام جمهوری اسلامی بیش از پیش افزایش می‌دهد، خود زمینه‌ای فراهم می‌کند تا جمهوری

اسلامی، با استفاده صحیح از رسانه ملی از این رهگذر به کانونی قوی و مؤثر در روابط و مناسبات بین‌المللی تبدیل شود و محور شکل‌گیری یک نظام عدالت‌گرا و نقطه‌امیدی برای شکل‌گیری امت‌واحدۀ اسلامی باشد.

### منابع

- بندرریگی، محمد. (۱۳۸۲). المنجد. تهران: ایران.
- دهقانی، محسن. (۱۳۸۵). اتحاد ملی و انسجام اسلامی. قم: انتشارات گلستان ادب.
- ساعتچی‌یزدی، حسین. (۱۳۷۸). قانون کار. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- ساعدوکیل، امیر؛ عسکری، پوریا. (۱۳۸۳). قانون خط‌مشی کلی و اصول سازمان صداوسیما مندرج در قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی. تهران: مجد.
- صالحی‌امیری، سیدرضا. (۱۳۸۵). مدیریت منازعات قومی در ایران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- صبحی، نازخند. اتحاد ملی و انسجام اسلامی در یک نگاه مندرج در: [www.bashgah.net](http://www.bashgah.net)
- عبداللهی، حامد. راهکارهای اتحاد و انسجام. مندرج در خبرگزاری رسا: [www.rasanews.com](http://www.rasanews.com)
- غنوشی، راشد. (۱۳۸۱). آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی. ترجمه حسین صابری، شرکت علمی و فرهنگی.
- قاری‌سیدفاطمی، سیدمحمد. (۱۳۸۲). حقوق بشر در جهان معاصر. دفتر اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مشایخی، (۱۳۸۲). جزوه مالیه عمومی و خط‌مشی مالی دولت‌ها. تهران: دانشگاه شهید بهشتی: دانشکده علوم اداری.
- منصور، جهانگیر. (۱۳۸۱). قانون مدنی. تهران: دیدار.
- میرزایی، علیرضا. (۱۳۸۵). قانون مجازات اسلامی. تهران: بهنامی.
- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۷۹). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ج دوم، تهران: دادگستر
- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۱). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران ج اول، تهران: میزان.
- هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. تهران: میزان.